

## چهلیمین سالروز تجاوز ارتش سرخ بر افغانستان



ششم جدی امسال برابر است با چهلیمین سالروز هجوم نظامی اتحاد جماهیر شوروی پیشین بر افغانستان. درست 40 سال پیش از امروز سربازان اردوی سرخ تا دندان، مسلح از طریق بندر حیرتان وارد افغانستان شدند. این در حالی بود که تعدادی از قطعات نظامی شوروی، قبلاً از طریق هوا به میدان هوایی بگرام آمده و در نقاط حساسی جابجا شده بودند. دلیل اصلی این تهاجم سرکوب مقاومت مردمی ای بود که در برابر رژیم خلقی وابسته به مسکو در بیشتر ولایات کشور به راه افتیده بود. اما دلائلی دیگری هم وجود داشت که پای نیروهای نظامی اتحاد شوروی را به افغانستان کشانید. آتشی را که چهار دهه قبل، حزب دیموکراتیک خلق و دوستان انترناسیونالست شان در وطن ما برافروخته بودند، هنوز هم زبانه می کشد و همه روزه ده ها هم وطن مارا به کام مرگ فرو می برد. تجاوز شوروی در افغانستان، یکی از سیاه ترین مقاطع تاریخ معاصر کشور ما به حساب می آید. در این تحلیل به چگونگی تجاوز و زمینه سازان آن، پرداخته شده است.

### تجاوز و عکس العمل

به اعتراف نسل جدید رهبران روسیه، تجاوز به افغانستان یکی از اشتباهات بزرگ کرملین در سیاست خارجی اش در دهه هشتاد قرن گذشته بشمار می رود. حمله شوروی به افغانستان؛ ظاهراً به بهانه درخواست کمک از طرف مقامات رسمی حکومت وقت انجام یافته ولی در عمل، جناح های متشکله حکومت اعم از خلق و پرچم،

کوشش می کنند از زیر بار این جنایت تاریخی شانه خالی نمایند. ببرک کارمل؛ رهبر جناح پرچم حزب دیموکراتیک خلق، یک روز بعد از این حمله، با ایراد بیانه ای کوتاه از طریق امواج رادیو تاشکند، از سقوط حکومت جناح خلق برهبری حفیظ الله امین خبر داده قدرت را در افغانستان در دست گرفت. از همان زمان، مجاهدین افغان با توکل به الله متعال در مقابل قوی ترین ارتش روی زمین در آنوقت به جهاد پرداختند.

در روز نخست تجاوز شوروی در افغانستان، حفیظ الله امین ریس جمهور کمونیست بعد از قتل نابغه شرق و استادش؛ نورمحمد تره کی توسط بر اریکه قدرت کابل تکیه زده بود، درحالی از بین برده شد که مصروف یک مهمانی مجلل از سران حکومتی و حزبی با خانم های شان در قصر مجلل تاج بیگ بود. طبق راپورها، نخست حفیظ الله امین توسط خانم آشپز روسی اش مسموم و بعد از آن توسط کماندوهای شوروی از بین برده می شود. و بعداً کارد محافظتی اش که تعداد آن به صدها می رسید، از طرف کماندوهای روسی از پا در آورده می شوند. ببرک کارمل سوار بر تانک روسی وارد کشور گردیده و بعوض امین بر اریکه قدرت نصب می شود. به این صورت طی یک کودتاه سازمان یافته، قدرت از گروپ خلق دوباره به گروپ پرچم در حزب دیموکراتیک خلق انتقال پیدا می کند. در مرحله جدید انقلاب ثور، تعداد مشاورین روسی در ادارات مختلف دولتی چندین برابر بالا رفته و تمام امور ملکی و نظامی تحت نظارت مستقیم آنها به پیش می رفت.

در حدود ۶۲۰ هزار نیروی شوروی در افغانستان با مجاهدین این کشور جنگیدند (منظور تعداد سرباز جنگ کرده در افغانستان است نه اینکه همزمان سربازان شوروی در کشور با این رقم حضور داشته اند) سر انجام پس از ۹ سال مقاومت مردم افغانستان بتاريخ ۲۶ دلو ۱۳۶۹ (۳۱ دسامبر ۱۹۹۱) شکست خورده از افغانستان خارج می شوند.

## تصمیم حمله

دفتر سیاسی شوری با اشتراک گرومیکو وزیر خارجه، اندروپوف رئیس کا.جی. بی، مارشال اوستینوف وزیر دفاع، کرنینکوف معین وزارت خارجه، سترجنرال اگارکوف لوی درستیز و تورن جنرال ایوانوف در مورد وضعیت سیاسی و نظامی افغانستان در ماه اگست ۱۹۷۹ (قوس - جدي ۱۳۵۸) جلسه ی را دایر نمودند. پس از نشست های مکرر مارشال استینوف وزیر دفاع شوری با جنرال مربوط خویش، که بطور مسلسل از اول الی بیست چهارم اگست ۱۹۷۹ (۱۲ قوس الی ۵ جدي ۱۳۵۸) دایر می گردید، سر انجام بتاريخ ۲۴ اگست (۵ جدي) از سوی وزیر دفاع به جنرال های اردو تصمیم رهبری حزبی و دولتی اعلام می شود که در افغانستان قطعات نظامی فرستاده می شود و نیز توضیح می گردد که این قطعات فردا با عبور از دریای آمو وارد افغانستان خواهند شد. بتاريخ ۲۵ اگست ۱۹۷۹ (۶ جدي ۱۳۵۸) سپاه چهلیم که از پیش برای این منظور در نزدیکی سرحدات شمالی افغانستان جا به جا گردیده بود، از زمین و هوا به افغانستان سرازیر می شوند. و تشکل

تعیینات نظامی نیز به این صورت می باشد: توخارینوف به عنوان قوماندان، برید جنرال و تکاپوف آمر سیاسی، برید جنرال لویانوف رئیس ارکان و برید جنرال کرکاکین آمر کشف. اردوی چهلیم که متشکل از صد قطعه جز و تام بوده و دارای چهار فرقه موتوریزه شده که عبارت باشد از لوای توپچی، لوای راکت و دافع هوا، قطعات انجینیری و مخابره، و جزم و تام های تأمیناتی و لوژستیکی بود. تعداد قوای مذکور در سال ۱۹۷۹ به هشتاد هزار تن می رسید که بعدا ها به این تعداد افزوده شده به یک صد و پانزده هزار رسید. که در نکات مهم و کلیدی از جمله میدان هوایی کابل، بگرام و شین دند جا به جا گردیدند.

### چه کسی همکار تجاوز بود؟ خلق یا پرچم؟

شاخه های خلق و پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مورد اینکه کدام یک از شاخه های حزب مذکور از شوروی ها برای دخالت نظامی در افغانستان دعوت بعمل آورده بودند، بر علیه هم گواهی های فراوانی دارند. خلقی ها دعوت از شوروی ها توسط خود شان را رد نموده و همه بار مسولیت را بر شانه های پرچمی ها می گذارند، و پرچمی ها که توسط نیروهای متجاوز شوروی به قدرت رسانیده می شوند، با ارائه بسا از اسناد و شواهد خلقی ها را نیز در دعوت از شوروی ها مقصر می دانند، شاید تلاش های پرچمی ها بر این باشد که از سنگینی بار مسولیت تجاوز شوروی که در شانه های شان است بکاهند. برای روشن شدن موضوع در این جا بسا از گفته ها را و اسناد را از یادداشت ها و مصاحبه ها کمونیست های کشور ما و دیگران مرور می کنیم:

«محمد قاسم آسمایی یکی از نویسندگان شاخه پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان، با انتشار ترجمه اسناد محرم از زمان شوروی، مدعی است که نورمحمد تره کی و ببرک کارمل هردو از شوروی ها دعوت بعمل آورده بودند که نیروهای نظامی در حمایت از حکومت کمونیست در افغانستان به این کشور گسیل بدارند...» محمد حسن شرق صدر اعظم در دوران حکومت داکتر نجیب آخرین ریس جمهور کمونیستی در افغانستان در صفحه ۱۵۸ کتاب کرباس پوش های برهنه پا می نویسد: «آغاز ماه سپتمبر ۱۹۷۹ رئیس جمهور افغانستان نورمحمد تره کی که بعد از ۷ ثور بحیث رئیس دولت از طرف حزب دیموکراتیک خلق تعیین گردیده بود در کنفرانس کشورهای غیر منسلک در هاوانا اشتراک نموده و در باز گشت از ماسکو دیدار بعمل آورده او را به بمثابه رئیس دولت دوست پذیرفتند. تره کی باردیگر تقاضایی حکومت کابل را به اتحاد شوروی جهت اعزام عساکر شوروی به خاطر دفاع از انقلاب افغانستان تکرار کرد.» در کتاب جنگ در افغانستان (نوشته گروه از دانشمندان انستیتیوت تاریخ نظامی فدراسیون روسیه) به نقل از تعداد سندهای محرم به جا مانده از دوران شوروی وقت، نورمحمد تره کی و حفیظ الله امین رهبران جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان بارها از رهبران شوروی وقت، خواستار دخالت نظامی در افغانستان شده اند، که تعداد این درخواست ها به ۲۰ موارد رسیده که از آن جمله ۷ درخواست آن به نورمحمد تره کی نسبت داده شده است، که در این جا برای روشن شدن هرچه بیشتر موضوع شماری از آن سندها را نقل قول می نماییم:

به تاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۹م تره کی گفت: « بسیار خوب می شد اگر جانب شوروی تصمیم به اعزام پنهانی چند گروه ویژه سپاهیان شوروی ( که تعداد هر گروه به یک کندک برسد)، در صورت پرتنش شدن سریع اوضاع در پایتخت، بگیرد.» - نماینده ک. گ. ب در کابل

۱۱ اگست با امین بنا به تقاضای او دیدار کردم. در روند گفتگو توجه خاصی به آمدن جزوتام های شوروی به افغانستان مبذول گردید. امین مصرانه خواهش کرد به رهبران شوروی لزوم عاجل جزوتام های شوروی به کابل را گزارش دهید. او چند بار تکرار کرد که « حضور سپاهیان شوروی به پیمانۀ چشمگیری روحیه ما را بالا برده و به ما آرامش و اطمینان بیشتری خواهد بخشید. شاید رهبران شوروی از آن نگران اند که دشمنان ما در جهان، آمدن سپاهیان شوروی به افغانستان را به عنوان مداخله در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان ارزیابی خواهند کرد. مگر من به شما اطمینان میدهم که ما یک دولت مستقل و آزاد هستیم و همه مسایل را مستقلانه حل و فصل میکنیم...سپاهیان شما در نبردها اشتراک نخواهند ورزید. آنها را صرف در لحظات بحرانی به یاری فرا خواهیم خواند. فکر میکنم ما به جزوتام های شوروی تا بهار نیاز خواهیم داشت...»

به تاریخ ۱۲ اگست سروری رئیس سازمان امنیت افغانستان (اگسا)، بنا به سفارش امین از ما خواست تا مسئله برآوردن خواهش رهبران جمهوری دموکراتیک افغانستان مبنی بر آمدن کندک های ویژه شوروی و تحویلدهی طیاره های چرخی برای حمل و نقل با پرسنل شوروی را سرعت بخشیم. سودمند خواهد بود، هرگاه در روزهای آینده یک کندک ویژه و همچنان طیاره های چرخی برای حمل و نقل با پرسنل شوروی را به کابل اعزام نماییم ... همزمان با آن خواهشمندیم مسله روان کردن دو کندک ویژه دیگر، یکی برای تقویت پاسداری از پایگاه هوایی بگرام و دیگری برای استقرار در بالاحصار را بررسی کنید.»

## در آرزوی امنیت و صلح

تجاوز شش جدی در کنار خسارات فراوان مالی که از خود به جا گذاشت، در نتیجه آن میلیون ها افغان جان خود را از دست دادند و دهها هزار تن معلول و یتیم و بیوه شدند. و بدتر از همه اینکه این تجاوز شرمناک، زمینه دخالت های غیر مشروع بیگانه ها اعم از همسایه و غیر همسایه ها را در امور داخلی کشور ما به شکل بی سابقه ای مهیا ساخت. در سال ۱۳۷۱ هـ ش بعد از شکست قشون سرخ و سرنگونی حکومت داکتر نجیب بدست مجاهدین، عاملین قتل و کشتار و همکاران قشون تجاوزگر از طرف حکومت مجاهدین به این امید مورد عفو قرار گرفتند که صلح و آرامش بوطن بازگشته و دیگر صدای فیرتفنگ در کشور شنیده نشود، اما دریغا که چنین نشد و بعلت بی کفایتی حکومت مجاهدین و جنگهای داخلی جناحهای رقیب از یک طرف و توطئه ها و دسایس دشمنان داخلی و بیرونی مردم افغانستان از طرف دیگر، کشور ما روی آرامی را ندید و سلسله نا آرامیها و جنگ تا جایی پیش رفت که افغانستان با یک تجاوز جدید به رهبری ایالات متحدهء امریکا رقیب اتحاد

جماهیر شوروی قرار گرفت. به همین دلیل افغانها نتوانستند که فدراتیف روسیه؛ خلف اتحاد شوروی را به دادن غرامت جنگی مجبور سازند و یاهم همکاران داخلی شانرا به میز عدالت بکشانند. ولی در شرائط که افغانستان در وضعیت بسیار حساسی قرار دارد، و اما روزنه ای به طرف صلح گشوده شده است، توقع می رود که دولت روسیه از بیرون و بقایای رژیم اشغال شوروی از داخل، بخاطر ادای بخشی از دینی که مردم افغانستان بالای آنها دارند، حد اقل با پروسه صلح همکاری صادقانه نموده در خاموش ساختن آتشی سهم بگیرند که چهل سال قبل به همکاری هم افروخته بودند.

## افغان جگړه او د امریکا بدلېدونکې تگلاره



د افغان جگړې په اړه د امریکا په دننه کې نظر ورځ تر بلې منفي کېږي، امریکایي رسنۍ په دې اواخرو کې، چې یوه لور ته د سولې خبرې د بل هر وخت په پرتله حساس پړاو ته داخلي شوي او بل لور ته په افغانستان کې د امریکا د ماتې، زیاتو لگښتونو، مرگ ژوبلې او بې پایلې جگړې په اړه مطالب خپروي، تېره اوونۍ واشنگټن پوسټ ورځپاڼې راپور خپور کړ، چې سپینې ماڼۍ بیا بیا خپل ملت ته د افغان جگړې په اړه درواغ ویلي، په دې اړه دوه زره پاڼې اسناد هم د واشنگټن پوسټ لاس ته ورغلي، چې امریکایي چارواکي یې لا زیات د افغانستان په تړاو تر فشار لاندې راوستلي دي. امریکایي رسنۍ بیا بیا دا وایي چې امریکا په افغانستان کې د دومره لگښتونو، مرگ ژوبلې او دوام موندونکې جگړې په بدل کې حالت نه یوازې د ښه کېدو لور ته نه ځي، بلکې طالبان پیاوړي شوي، د ټول هېواد له ۵۰ سلنې زیاته خاوره یې په کنټرول کې راوستې، د امریکا له حمایت نه برخمن حکومت کمزوری شوی، فساد زیات شوی، بشري حقونه تر پښو لاندې شوي او هېڅ داسې څه نشته چې امریکا یې نړۍ او امریکایي ولس ته د یوې لاسته راوړنې په توګه وړاندې کړي.

پر افغانستان د امریکا برید او د دې برید پایلې څه وي؟ د واشنگټن پوسټ له لوري خپور شوی راپور او د امریکا بدلېدونکې تگلارې ته کتنه هغه څه دي چې د دې اوونۍ په تحلیل کې مو پرې شننه کړې ده.

## پر افغانستان د امریکا برید ته ځغلنده کتنه

پر افغانستان د شورویانو د یرغل پر مهال، افغان ولس او امریکا د گډ دښمن له کبله یو بل ته نږدې شول او امریکا د شورویانو پر ضد پامخېدلو جهادي خوځښتونو سره مرستې کولې. او په پایله کې شوروي اتحاد په افغانستان کې ماتې وخوړله، او د شوروي اتحاد د ړنگېدو له کبله نه یوازې دا چې د برلین دېوال ونړېد، بلکې ډېر نور هېوادونه هم خپلواک شول. خو په بل اړخ کې د شورویانو له وتلو سره په افغانستان کې د کورنۍ جگړې لمبې اوچتې شوې، چې په پایله کې یې د طالبانو امارت جوړ شو، نو ځینې عربان د اسامه بن لادن او د ده د ملگرو په شمول په افغانستان کې مېشت وو، چې له طالبانو څخه وړاندې د استاد رباني حکومت پناه ورکړې وه. په ۱۹۹۸ م کال کې د طالبانو او د امریکا ترمنځ او بیا د طالبانو او سعودي ترمنځ د اسامه پر سر شخړې پیدا شوې، چې له کبله یې څو ځله د امریکایانو له خوا پر افغانستان توغندیز بریدونه هم وشول؛ خو وروسته، چې په امریکا کې د سپټمبر ۱۱ م بریدونه وشول، یو ځل بیا د اسامه پر سر شخړې زور واخېست او امریکایانو په همدې پلمه، چې یاد بریدونه په افغان خاوره کې د اسامه له لوري پلان شوي پر افغانستان یرغل وکړ.

## د جگړې پایلې

امریکا طالبان له واکه لرې کړل، خو دې ډلې افغانستان کې اوږدمهاله جگړه پیل کړه. د افغانستان جگړه د امریکا په تاریخ کې تر ټولو اوږده جگړه ده. اوس چې د امریکا پر جگړې ۱۸ کلونه تېرېږي، د امریکا د دفاع وزارت د شمېرو له مخې، یوازې ۲۳۸۶ امریکایي سرتېري په دې جگړه کې وژل شوي او لسگونه زره نور تپیان شوي او د امریکا لخوا پرې تقریباً یو تریلیون ډالره مصارف هم راغلي دي؛ خو نه د دوی په اصطلاح "ترورېزم" ختم شو، نه طالبان! نه یې هم افغانستان ته سوله راوړه او نه یې هم د یوه باثباته نظام بنسټ کېښودلای شوی؛ بلکې دلته پر دې نظام د نړۍ تر ټولو د فاسد هېواد نښان لگېدلی، په مخدره موادو کې د نړۍ ۹۰ سلنه تقاضا پوره کوي، او ورځ تر بلې پکې امنیت او ثبات خپل ځای ناامنیو او بې ثباتۍ ته پرېږدي. چې تر اوسه پورې لسگونه زره افغانان پکې شهیدان شوي او لا دوام لري.

## د واشنگتن پوست له لوري خپاره شوي راپور ته کتنه

واشنگتن پوست ورځپاڼې د افغان جگړې په اړه د محرمو اسناد په را برسېره کولو سره ادعا کړې ده، چې په تېرو ۱۹ کلونو کې امریکایي حکومتونو د افغان جگړې په اړه خپلو خلکو ته په مکرر ډول درواغ ویلي دي. په یاد راپور کې راغلي، "د امریکا جگ پورې سیاسي او پوځي چارواکي په بېلابېلو پړاوونو کې پوهېدل چې افغان جگړه نور

د گټلو نه ده، خو خپل ولس ته یې داسې پیغام ورکاوه چې گواکې هلته هر څه سم روان دي. " یاد اسناد کابو ۲۰۰۰ پاڼې دي او د هغې فدرالي پروژې برخه دي، چې د افغان جگړې د ناکامیو او نیمگړتیاو د ارزونې لپاره ترسره شوې وه. په دې اسنادو کې له جگ پورې امریکایي پوځي جنرالانو، دیپلوماتانو، خیریه کار کوونکو او افغان چارواکو سره مرکې شوې دي. جنرال ډگلس لوټ د جورج بوش او بارک اوباما په واکمنیو کې د افغان جگړې په برخه کې د سپینې ماڼۍ یو مهم سلاکار پاتې شوی. نوموړي په خپله مرکه کې داسې ویلي: "امریکایان اصلاً په افغانستان کې په دې نه پوهېدل چې هلته څه کوي او د څه ترلاسه کولو لپاره افغانستان ته تللي. نوموړی زیاتوي، د امریکا د دفاع وزارت، د بهرنیو چارو وزارت او کانگرس چارواکي د افغان جگړې په اړه یوه خوله نه وو." د امریکا د دفاع وزارت د شمېرو له مخې، له ۲۰۰۱م کال راهیسې کابو ۷۷۵۰۰۰ امریکایي پوځیانو په افغانستان کې ماموریت ترسره کړی دی، او ځینې یې تر یو ځل ډېر هلته تللي. له دې ډلې شاوخوا ۳۰۰۰ وژل شوي دي او تر ۲۰ زرو ډېر افغانستان کې د ماموریت پر مهال تپیان شوي. که څه هم د دې کسانو هويت نه دی ښودل شوی، خو گڼو کسانو په خپلو څرگندونو کې د افغان جگړې او د امریکا پر ناپوهۍ او ناسمو تگلارو او پرېکړو سختې نیوکې کړې دي.

په خپرو شویو اسنادو کې راغلي، چې د افغان جگړې د ارزونې او پلټنې دې فدرالي پروژې جوته کړې ده، چې د امریکا درې ولسمشران (جورج بوش، بارک اوباما او اوسنی ولسمشر ډونالد ټرمپ) په افغان جگړه کې پاتې راغلي او دوی هم په دې باندې پوهیږي، چې یاده جگړه دوی بایللې. همدارنگه دوی په افغانستان کې د فساد په مخنیوي، د افغان امنیتي ځواکونو په سمه روزنه او سمبالښت او د نشیې توکو د کرکېلې په ختمولو کې پاتې راغلي. په یادو اسنادو کې راغلي، چې امریکایي پوځي او سیاسي چارواکو په لوی لاس د افغانستان وضعیت په اړه خپلو خلکو ته درواغ ویلي او هڅه یې کړې، چې خپلې نیمگړتیاوې او ناکامۍ پټې، او د بري ادعاوې وکړي.

## پایله

د امریکایي چارواکو له کړونو او څرگندونو خو داسې معلومیږي، دوی په افغانستان کې دې پایلې ته رسېدلې، چې د خپلو موخو د پاللو لپاره د جگړې په ډگر کې له ماتې سره مخ دي، دوی له دې وېرېږي، چې د پخواني شوروي اتحاد تجربه تکرار نکړي نو دې پایلې ته رسېدلې، چې خپله تگلاره کې ژور بدلون راولي، له طالبانو سره د جوړجاړي، د خپلو ځواکونو د ایستلو او یا هم کمولو او نورو بدلونونو له لارې غواړي په افغانستان کې خپله تگلاره بدله کړي. دا چې دا بدلون به څه ډول وي او امریکا به خپلې گټې څنګه خوندي کوي، دا جلا بحث دی، خو اوس پکار ده، چې افغانان د دې تگلارې له بدلون سره یو داسې بدلون ته لاره هواره کړي، چې



دلته د څلورو لسيزو دوامدارې جگړې ته د پای ټکی کېښودل شي او ځای يې سوله ونيسي. د دې لپاره لومړنی کار دا دی، چې نور باید له افغانانو سره دښمني، کرکه او جگړه چې په هر نوم وي، ختمه شي. هغوی چې له امریکا سره په دوستۍ کې له خپلو خلکو سره په تېرو اتلسو کلونو کې په دښمنۍ کې وو، دا حالت باید نور ختم کړي. امریکا له طالبانو سره یوې هوکړې ته د رسېدو په موخه له هرې ممکنې لارې کار اخلي دوی به له طالبانو سره یوې هوکړې ته رسېږي، چې دا حالت د افغان جگړې بیرونی اړخ دی، چې تر سره کېږي او په دې سره بین الافغاني خبرو اترو ته لاره هوارېږي نو د بین الافغاني خبرو اترو د پیل او کامیابېدو لپاره ټول دخپل اړخونه (طالبان، حکومت او احزاب) د خپل خدای او ملت پر وړاندې مسؤلیت لري، چې د څلوېښت کلنې پردی جگړې تېر، چې په افغانانو باندې تپل شوې ده نور له خپلې خاورې ټول کړي له دې فرصت نه داسې استفاده وکړي لکه څرنګه یې، چې په ۲۰ مه پېړۍ کې روسانو او په ۲۱ مه پېړۍ کې امریکایانو ته د جگړې په ډګر کې تاریخي درس ورکړ دا ځل د سیاست په ډګر کې هم دا ثابته کړي چې افغانان په سیاست کې هم تاریخونه جوړولی شي.



ارتباط با ما:

ایمیل: [info@csrskabul.com](mailto:info@csrskabul.com) - [csrskabul@gmail.com](mailto:csrskabul@gmail.com)ویب‌سایت: [www.csrskabul.com](http://www.csrskabul.com) -- [www.csrskabul.af](http://www.csrskabul.af)

شماره تماس دفتر: + 93 (0) 784089590

لطفا نظریات و پیشنهادات خود را جهت بهبود مطالب این نشریه به ما ارسال دارید.